



تشیع و یمنیان

○ کشواد سیاهپور

○ نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت (ع)

(قرن اول هجری)

○ تألیف: اصغر منتظرالقائم

○ ناشر: بوستان کتاب قم، قم، چاپ اول، ۱۳۸۰

○ ۴۰۸ ص، ۲۰۰۰۰ ریال

انگلیسی و فرانسوی) آمده است که خود راهنمای مفید و آسانی برای محققان و مراجعه‌کنندگان کتاب است.

مؤلف محترم در معرفی و نقد منابع، آنها را به هفت دسته تقسیم کرده است و ابتدا به «کتیبه‌ها» و سپس به معرفی و نقد کتابهای طبقات، مقاتل، فتوح، انساب، تاریخ‌های عمومی و منابع جغرافیایی پرداخته است.

نویسنده به ضرورت نقد و معرفی منابع در تحقیقات تاریخی اشاره دارد و می‌نویسد: «معرفی و نقد منابع، یکی از مباحث اصولی در تحقیقات تاریخی است و ما را به شناخت و ارزش و اعتبار مآخذ تاریخی و تحلیل موضوع یاری می‌رساند و از اهمیت خاصی برخوردار است.»^۱

در مبحث منابع، کتابهای دست اول و مهمی نظیر الطبقات الکبری محمدبن سعدبن منیع مشهور به ابن سعد کاتب واقدی، وقعة صفین نصرین مزاحم منقری تمیمی، مقاتل الطالبین علی بن

کتاب نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت (ع) که در اصل پایان‌نامه دکتری آقای اصغر منتظرالقائم است، موضوع بدیع و تازه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد. قبایل یمنی در میان جامعه قبیله‌ای عرب از قدرت و نفوذ بالنسبه زیادی برخوردار بوده و در وقایع و رخدادهای تاریخ اسلام نقش به‌سزایی داشته‌اند. اثر حاضر به این نقش برجسته آنها در قرن اول هجری پرداخته است. کتاب از یک مقدمه، معرفی و نقد منابع و هفت فصل تشکیل یافته و در پایان نتیجه‌گیری و چکیده مطالب آمده است. علاوه بر این، در قسمت تصاویر، ده نقشه راهنما به موقعیت جغرافیایی یمن و حکومت‌های باستانی آن و قبایلی نظیر حمیر، مذحج، همدان، خولان و الاشعر، خنعم و بجیله، ازد، طی و کنده می‌پردازد. در پایان نیز فهرست جداگانه آیات و روایات، معصومین، ادیان و مذاهب، اشعار، کتب، رخدادها (جنگ‌ها)، اعلام و اشخاص، اماکن، «انساب، قبایل، طوایف، اقوام و جماعات» و فهرست منابع و مآخذ (فارسی، عربی،

اصغر منتظرالقائم: «پس از سلطه فارسیان، یمن
 یک استان ایرانی شد و از سوی تیسفون
 مستقیم اداره می‌شد. جمعیت ایرانیان در یمن،
 روزافزون شده و احفاد و اخلاف آنان که به
 «ابناء» مشهور شده‌اند به صورت خاندان‌های
 اشرافی در یمن به زندگی ادامه دادند»



است. کلمه یمن، جغرافیای طبیعی و انسانی یمن، خاستگاه اقوام سامی، معینیان، قتبان، اوسان، کشور سبأ، مکریبیان، اوضاع سیاسی یمن در روزگار ذونواس، اوضاع سیاسی یمن در قرن قبل از ظهور اسلام و نیز ایرانیان و یمن از جمله مطالب مهم و مفید فصل اول است. نویسنده اشاره می‌نماید که یمن از «یمنت» (یمنات) گرفته شده و در کتیبه‌های بعد از میلاد آمده است. آ به علاوه بیان می‌کند که: «حکومت معین، قدیم‌ترین پادشاهی در جزیره العرب به شمار می‌آمد و سرگذشت آن از سنگ نبشته‌های مسند به ما رسیده است.»^۲

در بحث ایرانیان و یمن، به چگونگی نفوذ ایرانیان عصر ساسانی به یمن اشاره می‌نماید و دلایل این نفوذ و تسلط را برمی‌شمارد. وی می‌نویسد: «پس از سلطه فارسیان، یمن یک استان ایرانی شد و از سوی تیسفون مستقیم اداره می‌شد.» جمعیت ایرانیان در یمن روزافزون شده و احفاد و اخلاف آنان که به «ابناء»

محمد بن حسین مشهور به ابوالفرج اصفهانی، فتوح البلدان بلاذری، الفتوح ابن اعثم، جمهرة النسب هشام بن محمد بن سائب کلبی، انساب الاشراف بلاذری، تاریخ یعقوبی ابن واضح، الاخبار الطوال دیتوری، تاریخ الرسل و الملوک طبری، البلدان یعقوبی، صفة جریره العرب ابومحمدحسن بن احمد بن یعقوب همدانی یمنی معرفی و بررسی و نقد شده‌اند. در این میان دو کتاب مهم، با همت و تلاش و پیگیری نویسنده از خارج کشور به دست آمده و از آنها استفاده شده است که عبارت‌اند از صفة جریره العرب و الاکلیل من اخبار الیمن و انساب حمیر که خود شامل ده کتاب می‌باشد.

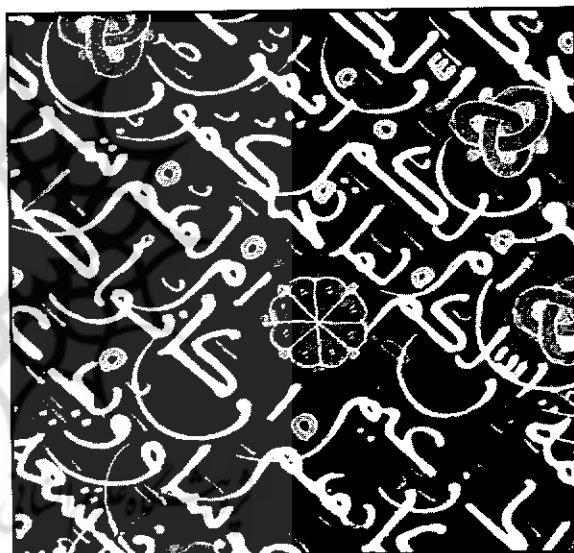
هر دو کتاب نوشته ابومحمدحسن بن احمد بن یعقوب همدانی است و در تألیف کتاب برای نویسنده بسیار مفید و مؤثر واقع شده‌اند.

فصل اول کتاب «یمن در گستره تاریخ پیش از اسلام» است. در این فصل مطالب مفید و ممتعی عرصه بحث و فحص واقع شده

اسلام آوردن همدانیان (یکی از قبایل قدیمی و بانفوذ یمن) به دعوت امام علی(ع) بوده است و آن گونه که طبری آورده است، امام علی(ع) اسلام آوردن همدانیان را طی نامه‌ای به پیامبر اطلاع داد و «پیامبر اسلام، پس از خواندن نامه علی(ع) به سجده افتاد و سپس گفت: «درود بر همدان، درود بر همدان»، از آن پس، مردم یمن به اسلام روی آوردند

قبایل یمنی در میان جامعهٔ قبیله‌ای عرب از قدرت و نفوذ بالنسبه زیادی برخوردار بوده و در وقایع و رخدادهای تاریخ اسلام، نقش به‌سزایی داشته‌اند. کتاب «نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت» به این نقش برجسته آنها در قرن اول هجری پرداخته است

می‌دهد. مثلاً در باب قبیلهٔ همدان می‌خوانیم که: «هنگام ظهور اسلام همدان از قبایل قدرتمند و متحد باحکام پارسی و ابناء بود... [و] در دوران اسلامی همدان از نیروهای عمدهٔ سیاسی و نظامی صاحب نفوذ در یمن بوده است، به گونه‌ای که طی سالهای ۴۹۲ قمری تا ۵۶۹ قمری در یمن امارتی داشتند تا ایوبیان آن را برانداختند. هم‌اکنون نیز همدان همچون گذشته قدرتمند است و رئیس جمهور فعلی یمن از شاخه «سخان» از حاشد می‌باشد.»^۲ اسلام آوردن همدانیان (یکی از قبایل قدیمی و بانفوذ یمن) به دعوت امام علی(ع) بوده است و آن گونه که طبری آورده است امام علی(ع) اسلام آوردن همدانیان را طی نامه‌ای به پیامبر اطلاع می‌دهد و «پیامبر اسلام پس از خواندن نامه علی(ع) به سجده افتاد و سپس گفت: «درود بر همدان، درود بر همدان» از آن پس، مردم یمن به اسلام روی آوردند.»^۳



مشهور شده‌اند به صورت خاندان‌های اشرافی در یمن به زندگی ادامه دادند. خانواده‌هایی نظیر باذان، سردویه، مهرویه، زنجویه، بردویه، جندویه و بوذرحه. همین خاندان‌ها بوده‌اند که «از سال ۵۷۵ میلادی بسان سروران بر یمنی‌ها حکمرانی کردند.»^۴ مع‌هذا به تدریج از قدرت و نفوذشان کاسته شد و تنها به «شهرهای صنعا و عدن و اطراف این دو شهر محدود» گشتند.^۵

فصل دوم «قبایل یمنی» است که مؤلف به توضیح تاریخ و شکل‌گیری و چگونگی اسلام آوردن آنها می‌پردازد. قبایلی همچون حمیر، حضرموت، مذحج، همدان، خولان، اشعر، خثعم، بجیله، ازد، غامد، خزاعه، اوس، خزرج، طی و کنده. این قبایل گاه خود به شعبه‌هایی تقسیم می‌شدند که نویسنده به آنها اشاره کرده است. مثلاً سعدالعشیره، مراد، بنوالحارث بن کعب، نخع، صدا، رها، جنب و عنس از شاخه‌های قبیلهٔ مذحج بوده‌اند.

در این فصل مؤلف محترم اطلاعات جالبی به خوانندگان ارائه

موضوع فصل سوم «شکل‌گیری تشیع و نقش یاران یمنی رسول‌الله(ص) در آن» است. نویسنده در این فصل به توضیح معنای اصطلاحی تشیع، زمینهٔ پیدایش تشیع، شکل‌گیری عملی تشیع و نقش انصار و مهاجران می‌پردازد و سپس به نقش یاران یمنی رسول‌الله(ص) در شکل‌گیری تشیع و نیز امام علی در میان یمنی‌ها اشاره می‌نماید.

به رغم نظریات شایع برخی از مستشرقین که تلاش نموده‌اند قوم و قبیلهٔ خاصی را موجد تشیع قلمداد نمایند، نویسنده با توضیحات خویش بیان می‌کند که «هستهٔ اولیهٔ تشیع» بسیاری از بزرگان صحابهٔ مهاجر و انصار بوده‌اند و «اعتقاد قلبی به خلافت باطنی و دنیاوی علی(ع) داشتند.»^۶ در میان این بزرگان عمار، مقداد، ابوذر و خصوصاً سلمان از همه معروف‌تر بوده‌اند. نویسنده اضافه می‌نماید «شیعیان نخستین از صحابی کبار و با فضیلت رسول‌الله(ص) بودند که در پیمان عقبهٔ دوم یا غزوهٔ بدر و سایر غزوات شرکت داشتند و اقدامات مؤثری برای تحکیم و تعمیق اسلام انجام دادند.»^۷

در بیعت با امیرالمؤمنین علی(ع)، تمامی خاندان بنی‌هاشم و عموم مهاجران و انصار و مردمی که از شهرهای دیگر در مدینه حضور داشتند، شرکت کردند، در این بیعت، یمنی‌ها چهل نفر بودند و نزاری‌ها، هفده نفر. این رقم آشکار می‌سازد یمنی‌ها به علت آن که در روزگار عثمان، شاهد بی‌عدالتی و تبعید و ضرب و شتم بودند به بیعت و حکومت علی(ع) تمایل بیشتری داشتند؛ به طوری که مردانی از آنان به پا خاستند و در فضائل علی(ع) داد سخن دادند

اصغر منتظر القائم در معرفی و نقد منابع، آنها را به هفت دسته تقسیم کرده است و ابتدا به «کتابیه‌ها» و سپس به معرفی و نقد کتاب‌های طبقات، مقاتل، فتوح، انساب، تاریخ‌های عمومی و منابع جغرافیایی پرداخته است

امام علی(ع)، خاصه جنگ‌های جمل، صفین و نهروان ارایه می‌دهد. از آغاز خلافت امام علی(ع) و روز بیعت با او، یمنی‌ها به عنوان قومی مؤثر حضور یافتند. البته به جز یمنی‌ها اقوام دیگری نیز شرکت فعالانه داشته‌اند. بنا به نوشته مؤلف «در بیعت با امیرالمؤمنین علی(ع) تمامی خاندان بنی‌هاشم و عموم مهاجران و انصار و مردمی که از شهرهای دیگر در مدینه حضور داشتند، شرکت کردند.»^{۳۷} در این بیعت یمنی‌ها چهل نفر بودند و نزاری‌ها هفده نفر. «این رقم آشکار می‌سازد یمنی‌ها به علت آن که در روزگار عثمان شاهد بی‌عدالتی و تبعید و ضرب و شتم بودند به بیعت و حکومت علی(ع) تمایل بیشتری داشتند، به طوری که مردانی از آنان به پا خاستند و در فضائل علی(ع) داد سخن دادند...»^{۳۸} «شادمانی و خوشحالی یمنی‌ها از بیعت با علی(ع) چنان بود که هیأتی از بزرگان خود را از یمن به مدینه فرستادند...»^{۳۹}

در جدولی که مؤلف از کارگزاران یمنی امام علی ارایه می‌دهد، مشخص می‌گردد که ۳۷ نفر یمنی به عنوان کارگزار امام علی(ع) در استان‌های مختلف جامعه اسلامی - شامل ایران، عراق، عربستان و شام - حاکمیت را در دست داشتند که نسبت به نزاری‌ها بیشتر بوده‌اند.

در جنگ جمل، صفین و نهروان نیز نقش یمنی‌ها قابل ملاحظه بوده است؛ به گونه‌ای که از ۳۵ فرمانده امام علی در جنگ جمل، سیزده نفر یمنی و ۲۲ نفر نزاری بوده‌اند.^{۴۰} و در جنگ صفین از ۳۱ نفر فرمانده امام علی(ع) ۱۳ نفر یمنی و ۱۸ نفر نزاری شرکت داشته‌اند.^{۴۱}

البته در جبهه مقابل امام علی یعنی در لشکریان معاویه از ۲۷ فرمانده سپاه او، ۱۶ نفر یمنی و ۱۱ نفر نزاری حضور داشتند که حاکی از حضور مؤثر یمنی‌ها در سپاه معاویه نیز می‌باشد.^{۴۲} یکی از افتخارات یمنی‌ها - خاصه همدانی‌ها - در نبرد صفین، یورش گسترده و وسیع آنان به همراهی مالک اشتر به سپاه خصم بوده است. «هشتصد نفر از جوانان همدان، وی [مالک] را همراهی کردند.

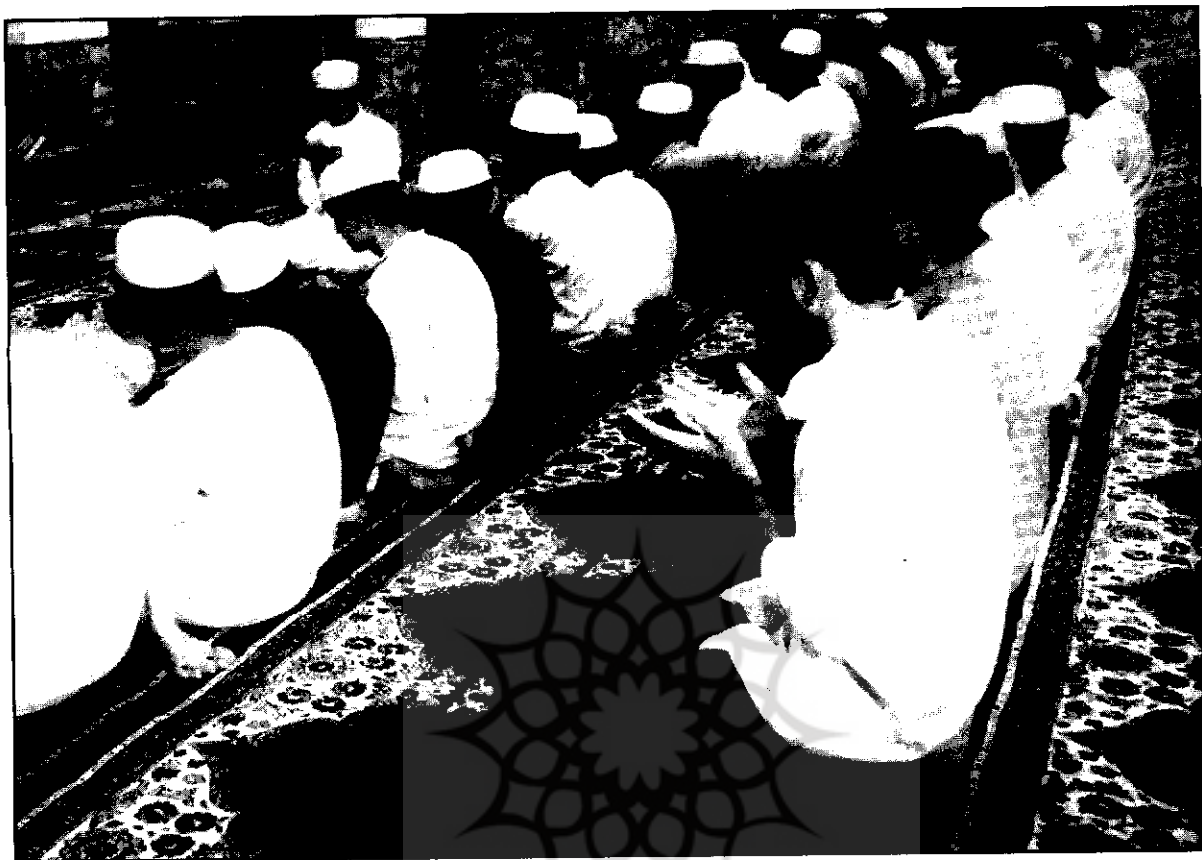
در فصل چهارم «نقش قبایل یمنی در ارتداد و فتوحات اسلامی» مورد بحث قرار گرفته است. ابتدا نویسنده بازگشتگان از دین را به پنج گروه تقسیم می‌نماید: ۱- پیامبر نمایان ۲- مخالفان پرداخت زکات ۳- گروهی که خواهان حکومت اهل بیت رسول الله بودند و رهبری خلیفه اول را به رسمیت نمی‌شناختند ۴- افرادی که ابوبکر را برای اداره حکومت ضعیف می‌دانستند ۵- گروهی که دیگر راضی به تبعیت از پیامبر اکرم نبودند و خواهان پیامبری از قبیله خویش بودند.»^{۴۳} پس از این تقسیم‌بندی، نویسنده به «پیامبران دروغین» می‌پردازد. اسود عنسی، طلیحه بن خویلد و مسیلمه بن حبیب از جمله معروفان این پیامبران کذاب بوده‌اند که جامعه اسلامی را یک چند دستخوش بحران و نابسامانی نمودند.

نویسنده در مبحثی جداگانه به «ارتداد در قبایل یمنی» پرداخته و تأثیرپذیری قبایل کنده، همدان، خولان و بنونهد را از جریان اهل رده و ارتداد بررسی نموده است. اکثر این قبایل در عهد ابوبکر از دین برگشته و عصیان نمودند. برخی از این اقوام در اثر نصایح بزرگان خویش و یا زور شمشیر مجدداً به دین اسلام بازگشته و سرتسلیم فرود آوردند.

در مبحث دیگری در همین فصل، نویسنده به نقش قبایل یمنی در فتوح اسلامی از جمله فتح ایران و شام اشاره دارد. وی فرماندهان یمنی مسلمانان در جنگ‌های قادسیه، جلولاء، فتح الفتوح، یرموک، دمشق و... را نام می‌برد. آخرین بحث این فصل، «شکل‌گیری شهر کوفه و موقعیت یمنی‌ها در آن» است.

فصل پنجم به بررسی «نقش قبایل یمنی در قیام بر ضد عثمان» می‌پردازد. در این فصل، نویسنده به زمینه قیام یمنی‌ها بر ضد عثمان، بذل و بخشش‌های عثمان، کوفه پایگاه مبارزه علیه عثمان و حادثه قتل عثمان پرداخته است.

فصل ششم «یمنی‌ها در روزگار خلافت علی(ع) و شکوفایی تشیع» نام دارد. در این فصل، نویسنده اطلاعات بسیار مفیدی به همراه جدول‌هایی درباره نقش یمنی‌ها و دیگر قبایل دوره خلافت



از آنان چنان سخت در برابر مکی‌ها پای فشردند که ۱۸۰ نفر از آنها کشته شدند.^{۱۸} شهادت عمار یاسر و برخی دیگر از یاران یمنی امام علی(ع) از دیگر افتخارات یمنی‌ها در نبرد صفین بوده است. «در این میان، موقعیت ویژه عمار گواه حقانیت امیر مؤمنان علی(ع) در برابر معاویه و اهداف باطل وی بود.»^{۱۹}

از دیگر موضوعات مهمی که مؤلف در این فصل بحث و بررسی کرده است، تأثیر اشرافیت یمن در تضعیف موقعیت امام علی(ع) به خصوص پس از شهادت عمار، خزیمه بن ثابت، عبدالله بن بدیل خزاعی و ابوالهثیم بن تیهان است. فداکاری بزرگان شیعه یمنی، فداکاری قبیله همدان، زنان شیعه یمنی، حکم یمنی در جریان حکمیت، جایگاه یمنی‌ها در رهبری خوارج، نقش قبایل یمنی در غارات و شکل‌گیری آخرین سپاه در جنگ نهروان از دیگر مباحث مهم این فصل است.

فصل هفتم و آخر کتاب «یمنی‌ها و تشیع در سالهای ۴۰ - ۶۷ هجری» است. در طول سال‌های ۴۰ تا ۶۷ هجری وقایع مهمی چون خلافت امام حسن(ع) و صلح وی با معاویه، قیام حجر بن عدی، قیام امام حسین(ع)، قیام عبدالله بن عفیف ازدی، قیام تواین و جنبش مختار رخ داده است که در تاریخ اسلام نقش به‌سزایی داشته است. دوران امامت حسن بن علی(ع) و صلح وی با معاویه

از حوادث مهم تاریخ اسلام است که هنوز جای تحقیق بسیار دارد. مؤلف به حوادث این دوران حساس با تکیه بر نقش یمنی‌ها پرداخته و نکات ظریفی را عرضه داشته است. «خلافت حسن بن علی(ع) در کوفه موافقت مردم بصره و یمن را همراه داشت و مردم حجاز نیز با جاریه بن قدامة به نمایندگی از حسن بن علی(ع) تبعیت کردند. اعلام این بیعت برای معاویه زنگ خطر بزرگی بود. به همین جهت، دست به تحریک و توطئه علیه حسن بن علی(ع) زد و برای خبرگیری و ایجاد اغتشاش، مردی از حمیر را به کوفه و مردی از بنی‌القین را به بصره فرستاد و خلافت وی را تقبیح کرد... حسن بن علی(ع) با قدرت به مقابله با اهداف معاویه پرداخت و دستور داد آن مرد حمیری را دستگیر و گردن بزنند و نامه‌ای نیز به بصره نوشت تا جاسوس معاویه را گردن بزنند.»^{۲۰}

سپاهی که امام حسن(ع) بسیج کرد از مردم مختلف بود و برای جنگ با معاویه آماده شدند. «عدی بن حاتم از اشراف و بزرگان شیعه یمنی اولین کسی بود که به لشکرگاه رفت. بدون شک هزار مرد طی که زیر فرمان عدی بودند به او پیوستند.»^{۲۱} کوفی‌ها چندان مایل به مضاف با معاویه نبودند ولی برخلاف آنها یمنی‌های سپاه امام مشتاق مبارزه بودند. مؤلف در این باره می‌نویسد: «بر خلاف سستی کوفی‌ها، با کوشش دو نفر از نخبگان شیعه یمنی و دو نفر

به رغم نظریات شایع برخی از مستشرقین که تلاش نموده‌اند قوم و قبیله خاصی را
موجد تشیع قلمداد نمایند، نویسنده با توضیحات خویش بیان می‌کند که «هسته اولیه
تشیع» بسیاری از بزرگان «صحابه مهاجر و انصار» بوده‌اند و اعتقاد قلبی به خلافت
باطنی و دنیاوی علی(ع) داشتند

بی‌نوشت‌ها:

- ۱- منتظر القائم، اصغر: نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت
(علیهم السلام)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۰، ص ۱۷.
- ۲- همان، ص ۳۵.
- ۳- همان، ص ۴۳.
- ۴- همان، ص ۶۰.
- ۵- همان، صص ۶۱-۶۰.
- ۶- همان، ص ۶۱.
- ۷- همان، ص ۷۸.
- ۸- همان، ص ۸۰ به نقل از طبری.
- ۹- همان، ص ۱۳.
- ۱۰- همانجا.
- ۱۱- همان، صص ۱۳۸-۱۳۷.
- ۱۲- همان، ص ۱۸۶.
- ۱۳- همان، ص ۱۸۷.
- ۱۴- همان، ص ۱۸۸.
- ۱۵- همان، ص ۲۰۸.
- ۱۶- همان، ص ۲۱۹.
- ۱۷- همانجا.
- ۱۸- همان، ص ۲۲۲.
- ۱۹- همان، ص ۲۲۷.
- ۲۰- همان، ص ۲۶۸.
- ۲۱- همان، ص ۲۷۰.
- ۲۲- همان، ص ۲۷۱.
- ۲۳- همان، ص ۲۷۶.
- ۲۴- همان، ص ۲۷۷.
- ۲۵- ابوحنیفة دینوری: اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی
دامغانی، چاپ دوم، نشر نی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۲۶۷.
- ۲۶- همان اثر، همانجا.
- ۲۷- منتظر القائم، پیشین، ص ۳۰۰.
- ۲۸- همان، ص ۳۰۱.
- ۲۹- همانجا.

نزاری، سپاهی به تعداد چهل هزار نفر از کوفه بسیج شدند و در
لشکرگاه گرد آمدند.^{۲۲} با این همه، البته به علت تشمت فکری و
روحی برخی از افراد امام حسن(ع)، جنگ با معاویه سر نگرفت و
نهایتاً صلح امام که شرایط خاص خویش را داشت و به حفظ جامعه
مسلمین و حرمت خون مسلمانان می‌انداشید، منعقد شد.

مؤلف به برخی از مهم‌ترین علل اصلی صلح امام حسن(ع) با
معاویه، اشاره کرده است: «ناهمگونی سپاه، دنیاگرایی و سستی
عموم مردم کوفه در کار جنگ، حفظ خون مسلمانان و بقای تشیع،
تسلیم [شدن] عبیدالله بن عباس فرمانده سپاه به معاویه، حمله به
امام حسن(ع) و جراحت سخت وی، نقش منفی اشرافیت قبیله که
بیش از همه تأثیر داشت.»^{۲۳}

البته افرادی از یاران امام نسبت به صلح اعتراض داشتند از
جمله حجر بن عدی که مؤلف نیز به آن اشاره دارد.^{۲۴} دینوری در
اخبار الطوال می‌نویسد: «گویند نخستین کس که به دیدار امام
حسن(ع) آمد و بر آنچه پیش آمده بود اعتراض کرد و حضرت را به
بازگشت به جنگ فراخواند حجر بن عدی بود...»^{۲۵} امام هم در جواب
حجر فرمود: «من دیدم میل و رغبت بیشتر مردم بر صلح است و
جنگ را خوش نمی‌دارند و دوست نمی‌دارم آنان را به کاری که
ناخوش دارند مجبور کنم برای این صلح کردم که شیعیان
مخصوص ما از کشته شدن محفوظ بمانند...»^{۲۶}

در ادامه این فصل، مؤلف به قیام شیعیان کوفه به رهبری
حجر بن عدی اشاره می‌کند و نقش اشرافیت یمن در سرکوبی این
قیام را توضیح می‌دهد.

قیام امام حسین(ع) و نقش قبایل کوفی و یمنی در شروع و
سرکوبی قیام از مباحث مطروحه در فصل هفتم است. نویسنده
آورده است که: «براساس منابع در دسترس ما از ۵۲ نفر یاران امام
حسین(ع)، ۳۴ نفر یمنی و هیجده نفر نزاری بودند.»^{۲۷} وی هم چنین
می‌نویسد: «شهدای واقعه کربلا از هر دو گروه قبایل یمنی و نزاری
تشکیل می‌شدند. بیست نفر از بنی‌هاشم یعنی ۲۸ درصد آنان،
هیجده نفر نزاری یعنی ۲۵ درصد ایشان و ۳۴ نفر یمنی یعنی ۴۷
درصد شهدا.»^{۲۸} ضمناً این «شهدای یمنی از عموم قبایل یمنی
بوده‌اند.»^{۲۹}

نویسنده در ادامه مبحث به تأثیرات قیام امام حسین(ع) در
میان یمنی‌ها و کوفیان می‌پردازد و درباره قیام توابین و قیام مختار
به تفصیل سخن می‌راند.